



ایالات متحده آمریکا پس از سرنگونی رژیم پهلوی و افشای اسناد و تجهیزات جاسوسی دولت این کشور از سوی جمهوری اسلامی ایران، توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی «شیطان بزرگ» نام گرفت و سفارت این کشور در ایران «لانه جاسوسی» خوانده شد...

امام خمینی (ره) چهار روز بعد هم در مصاحبه با رادیو و تلویزیون آلمان غربی، حاکمان آمریکایی را عامل بحران های ایران و جهان معرفی کردند و هشدار دادند: «نظر من این است که تمام این بحرانها را آمریکا ایجاد می کند. مسلمین و ملت ما به حسب نظر اولیای شان، مابین ملتها هیچ فرق نمی گذارند، به این معنا که بخواهند با یکی عدالت و با یکی بی عدالتی بکنند، لکن آمریکاست که نمی گذارد این آرامش پیدا بشود. آمریکا، آن کسی که پنجاه سال به این مملکت خیانت کرد و به امر او جوان های ما دست جمعی در خیابانها کشته شدند و علما و روشنفکران ما به حبس رفتند، کشته شدند، آواره شدند، تبعید شدند، یک همچو موجودی را که تمام ملت ما با او دشمن است آمریکا برد و در منزل خودش، در جایی که برای او مأمّن درست کرده و نگاه می دارد، و او و عائله اش را احترام می کند. و با جوان های

ما که در آنجا اعتراض می کنند با خشونت رفتار می کنند، واکنش این اعمال است که ملت بریزند و این کار را انجام بدهند و مسئولیت آن از خود آمریکاست.»

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی دلیل «لانه جاسوسی» خواندن سفارت آمریکا را هم این چنین تبیین کردند: «سفارتی که در ایران است یک توطئه هابی بود که حالا کشف شده است. و با وجود این توطئه ها نمی شود گفت که ملت بنشینند و نگاه کنند و آنها هر کاری که می خواهند بکنند. از این جهت خود آمریکا منشأ این امور است، منشأ کارهایی که انجام گرفته است، می باشد و در مقابل آن کارهای ناحقی است که آمریکا ظرف چندین سال با ما کرده است و ما دیگر نمی توانیم کارهایی که آنها می خواهند انجام بدهند تحمل کنیم. از این جهت باید آمریکا بفهمد که دیگر وقت آن ظلم ها گذشته است و باید حساب کار خودش را بکند و اگر ما دیدیم که بیشتر از این می خواهد جلو برود، ما هم کارهایی داریم که به ضرر آمریکا تمام خواهد شد.»

آیت الله سید محمد موسوی خوئینی ها که در آن مقطع فرماندهی کمیته های انقلاب را بر عهده داشت نیز در کتاب «گنجینه دل» در خاطره ای از چگونگی اطلاع امام و برخورد ایشان با مسئله تسخیر سفارت آمریکا، گفت: «در قضیه اشغال لانه جاسوسی با احمد آقا تماس گرفتم تا موضوع را به امام بگویند، گفتند: گوشی را نگه دار، زیرا امام مشغول نماز هستند؛ بین دو نماز ظهر و عصر از امام سؤال کردند و امام پاسخ دادند: «جای بسیار خوبی را گرفته اید، محکم نگه دارید.»

با وجود قاطعیت امام خمینی (ره) در برخورد بدون اغماض با جاسوسان حرفه ای سیا در لانه جاسوسی، 9 روز بعد از تسخیر لانه جاسوسی در نامه ای به آقای موسوی خوئینی ها و دانشجویان ساکن در مرکز جاسوسی آمریکا، جنبه رأفت اسلام ناب محمدی را به رخ سیاستمداران آمریکایی کشیدند و از آنان خواستند گروگان های زن و سیاه پوست را از جمع 66 نفره آنها جدا کرده و برای تحویل به طرف آمریکایی، تحویل وزارت امور خارجه دولت موقت دهند.

رهبر فقید انقلاب اسلامی در این نامه متذکر شدند: «مرکز توطئه و جاسوسی به اسم سفارت آمریکا و اشخاصی که در آن بر ضد نهضت اسلامی ما توطئه نموده اند، از احترام سیاسی بین المللی برخوردار نیستند. تهدیدات و تبلیغات دامنه دار دولت آمریکا به قدر پیشیزی نزد ملت ما ارزش ندارد. نه تهدید نظامی او عاقلانه است؛ و نه تهدید اقتصادی او واجد اهمیت. و کارتر یک اشتباه دارد، و آن اینکه گمان می کند همه دولتها چشم بسته به خدمت او ایستاده اند و این اشتباه بزرگ بزودی برای خودش هم روشن خواهد شد؛ و طلحه آن نیز مشهود است. ملت ایران بپا خاسته که نگذارد این لانه های جاسوسی در ایران به عمل ننگین خود ادامه دهند، و تا استرداد محمدرضا پهلوی، برای محاکمه و استرداد آنچه به یغما برده است، این لانه جاسوسی و آن جاسوسان حرفه ای به حال خود باقی خواهند ماند. لکن برای آنکه اسلام برای زن ها حقوق ویژه ای قائل است و سیاه پوستان، که عمری را تحت فشار و ظلم آمریکا به سر برده اند، و شاید به طور الزام به ایران آمده باشند، نسبت به آنان، در صورتی که جاسوسی آنها ثابت نشده باشد، تخفیف دهید. دانشجویان عزیز، سیاهپوستان و زنانی که جاسوسی آنان معلوم نیست، به وزارت امور خارجه تحویل دهید، که فوراً آنها را از ایران خارج نمایند. ملت شریف ایران اجازه آزادی بقیه را نمی دهد. لذا دیگران در بازداشت هستند، تا دولت آمریکا به خواست ملت عمل کند. والسلام علیکم وعلیکم السلام.»

ایشان تأکید کردند: «در قضیه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان عزیز بر روی نقطه حساس انگشت گذاشتند. مرکز جاسوسی آمریکایی ها که تحت پوشش سفارتخانه اداره می شد، علاوه بر این که با تمامی گروه های ضد انقلاب داخلی ارتباط داشت و آن ها را در جهت براندازی نظام نوپای اسلامی سازماندهی می کرد، یکی از مراکز عمده توطئه علیه مسلمانان منطقه محسوب می شد.» لذا حضرت امام عمل قهرمانانه دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی را مورد تأیید و تقدیر قرار دادند و آن را «انقلاب دوم» خواندند.

تلویزیون «سی.بی.اس» آمریکا دو هفته بعد از تسخیر لانه جاسوسی در مصاحبه با امام خمینی (ره) از ایشان پرسید «اگر شاه به ایران باز نگردد گروگانهای آمریکایی آزاد نخواهند شد؟» که امام در پاسخ به وی گفتند: «این مسئله مربوط به ملت است. سی و پنج میلیون ملت ما خواستشان این است و باید ما بررسی کنیم راجع به اینکه چرا ملت ما می خواهد که شاه و سی و پنج میلیون ملت ما بپاید و تا نباید دست از این گروگانها برداشته نخواهد شد و چرا کارتر این قدر اصرار دارد که شاه را نگه دارد.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی در تبیین دلایل اصرار ملت ایران برای استرداد و محاکمه شاه مخلوع، گفتند: «اما راجع به اینکه چرا ملت ما اصرار دارد، قضیه این نیست که شاه بیاید ایران. ملت ما شاه را که دشمن خودش می داند می خواهد چه بکند. یک تحفه ای نیست برای ملت ما که بخواهد او را در موزه نگه دارد. بلکه مطلب این است که دو جهت هست که ملت ما می خواهند شاه بیاید و ما اصرار داریم، این دو جهت یکیش اهمیتش بیشتر از دیگری است. یک جهت راجع به اینکه ما ملتی هستیم که الان اقتصادمان خیلی قوی نیست و دارایی های ایران بسیار در دست شاه مخلوع و بستگان اوست. و این در بانک های آمریکا و سایر کشورها متمرکز است. و اینها همه مال ملت است. و اینکه ما اصرار داریم شاه را بیاوریم برای این است که معلوم بشود که این اموال فقرا که در دست اینها و عمال اینها هست در کجاها هست و باید برگردد به ملت. و مطلبی که اهمیتش بیشتر از این است، این است که ما می خواهیم او بیاید و ما ریشه این جنایاتی که این شخص در طول سی و هفت سال تقریباً به ایران کرده است و این خیانت هایی که به ایران کرده

است و این آدم کشی های دسته جمعی که کرده است ما به دست بیاوریم که این با امر کی بوده. یک انسان، یک آدم که می خواهد در یک مملکتی حکومت کند بیجهت این قدر جنایت نمی کند. این عامل اشخاصی بوده است. خود ایشان هم می گوید من مأمور بودم برای وطنم. ما می خواهیم آن آمر را پیدا بکنیم که آن که امر کرده است که ایشان در وطنش این همه جنایت بکند این کیست و چه اشخاصی هستند؟ از این جهت ملت ما اصرار دارد به اینکه این آدم بیاید، و این دو مطلب ثابت بشود و در محاکمه، محکمه هر جور حکم کرد عمل بشود.»

با گذشت حدود چهار ماه از زندانی شدن گروگانهای آمریکایی در ایران، امام خمینی با صدور پیامی تصمیم گیری در این باره را به مجلس شورای اسلامی سپردند اما تا قبل از این پیام، دولت وقت تلاش زیادی کرد تا مسئله حل شود اما با شکست در حل مسئله، در نهایت به دستور امام (ره)، مجلس شورای اسلامی مسئول تشخیص صلاح ملت و تصمیم گیری در مسئله گروگان ها شد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در چهارم اسفند 1358 در پیامی خطاب به ملت، دولت و رئیس جمهور، تاکید کردند: «...؛rlm&... همان طور که بارها گفته ام ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می باشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی که لائۀ جاسوسی را اشغال کرده اند با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر امریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند؛ ولی از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می نمایند امر گروگانها، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگانها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند تصمیم گیرند؛ زیرا این مردمند که باید در جریانهای سیاسی دخالت داشته باشند، البته تا تشکیل مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب و جناب آقای رئیس جمهور کوشش خودشان را درباره برگرداندن شاه و اموال ملت و جریانهای سیاسی که زمینه اینگونه خواستها را فراهم می کند، مبذول دارند.»

با طولانی شدن مدت گروگانگیری و افزایش فشارها و موضع گیری های بنی صدر رئیس جمهور و دیگر مقامات دولتی علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، آنان طی نامه ای از امام (ره) درخواست کردند گروگان ها را از آنان تحویل بگیرند. امام خمینی (ره) نیز 11 روز بعد از مأمور شدن مجلس شورای اسلامی، طی حکمی از سیدمحمد موسوی خوئینی ها خواستند تا حفاظت از گروگان های آمریکایی به شورای انقلاب واگذار شود. ایشان در این حکم ضمن تشکر از نیروهای کمیته انقلاب و دانشجویان پیرو خط امام خاطرنشان کردند: «مقتضی است تا تکلیف قطعی که به عهده مجلس شورای اسلامی است، حفاظت جاسوسان امریکایی را به عهده شورای انقلاب قرار داده و به خدمت خودتان در این امر خاتمه دهید.»

فرآیند تشخیص صرفه و صلاح ملت ایران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی حدود 11 ماه طول کشید. در این مدت طرح ها، پیشنهادات، انتقادات و مباحث فراوانی بین مجلس، دولت و کمیسیون ویژه مجلس برای رسیدگی به مساله گروگان ها و جریان های حاکم سیاسی رد و بدل شد تا در نهایت بر اساس آنچه که مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی در کتاب «انقلاب در بحران» منتشر کرد، «مجلس چهار شرط آزادسازی کلیه سرمایه های ایران، لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران، تضمین عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و باز پس دادن اموال شاه را تصویب کرد و کیفیت اجرا هم بر عهده دولت گذاشته شد و مقرر شد اگر امریکا شرایط را پذیرفت، اقدامات اجرایی صورت گیرد و اگر نپذیرفت، پیش بینی شد قوه قضائیه خود را برای محاکمه جاسوس های آمریکایی آماده کند.»

در ادامه خاطرات رییس فقید مجلس شورای اسلامی در دوره اول، آمده است: «مذاکره مستقیم با امریکا ممنوع شده بود اما حضور یک میانجی بین ایران و امریکا برای شروع مذاکرات لازم بود. ضروری بود که این کار به دولت الجزایر که حافظ منافع ایران در امریکا بود، سپرده شود. سرانجام پس از ماه ها مذاکره و مشورت های گسترده، با درایت و دقت نمایندگان ایران و الجزایر، مذاکرات به نقطه قابل قبولی رسید و با دو لایحه ای که دولت در تاریخ 22 دی 1359 در ارتباط با حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی ایران و امریکا و همچنین باز پس گرفتن اموال شاه و بستگانش، به مجلس فرستاد که به تصویب رسید، مذاکرات سرعت بیشتری گرفت و به امضای سه سند در تاریخ 29 دی 1359 - که به بیانیه الجزایر معروف گردید - منجر شد.»

سرانجام پس از مذاکرات و گفت وگوهای زیاد و بعد از امضای بیانیه الجزایر که به حل و فصل اختلافات بین دولت های ایران و امریکا پرداخت، طرف آمریکایی عملاً شرایط مندرج در بیانیه را پذیرفت و بدین ترتیب بیش از 50 گروگان بازداشتی امریکا در ایران پس از 444 روز در مورخ 30 دی 1359 آزاد شدند.